

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

المان - شهرک زین

هفتم جون 2013

آئینه و ما

خانمی شایق جهان هنر	شوق نقاشیش همیشه به سر
خُردگی او به نقاشان	بود ورد زیبان همجنسان
روزی در یک نمایشی برسید	تابلوی زیاد آنجا دید
همگی کار پخته کاران بود	منظر نیک کاردانان بود
دور میخورد و هر طرف میگشت	تا که پای یکی از آن بنشست
گشت حیران و چین به آبرو کرد	دل پر غصه سر به زانو کرد
گفت ای مردم هنر پرور	این چه خاک است که کرده اید بسر؟
این چه تابلوی زشت غبار است؟	هم دل افگار و هم دل آزار است
چهره نحس او ز دیدن نیست	طلعتش بهر آزمودن نیست
در چنین مجمع هنرمندان	نیست ذوقی برای دیدن آن
خادمی گفت: ای خجسته سیر	این نه نقش است که آیدت به نظر
این بود آئینه مقابل تو	نور تابد به فکرت غافل تو
این نباشد که نیک و بد بینی	آنچه بینی تو، روی خود بینی

ما که بر دیگران نظر دوزیم به که از آئینه بیاموزیم

عیب خود ما که میکنیم نهان عیب تو آئینه نموده بیان

این نبود تابلو که آئینه بود عبرتی بهر او هر آئینه بود

عاقبت آئینه به هر امکان

میشود در مقابل انسان